

## سنجش رابطه دلبستگی به والدین و جدایی-تفرد با توجه به نقش تفاوت‌های جنسیتی

حمیدرضا عریضی\*، شبنم جوانمرد\*\*

**چکیده:** دلبستگی و جدایی-تفرد دو فرایند مهم رشدی هستند که در نوجوانی مجدداً فراخوانده شده و اهمیت فراوانی می‌یابند. پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این سؤالات است که آیا فرایند دلبستگی و جدایی-تفرد در دختران و پسران به شیوه‌های متفاوتی طی می‌شوند و آیا جنسیت می‌تواند بر روابط این دو فرایند بر یکدیگر تأثیرگذار باشد. بدین منظور ۳۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه اصفهان به صورت تصادفی و بر اساس جنسیت به دو گروه ۱۵۰ نفری تقسیم شدند و به پرسشنامه‌های جدایی-تفرد نوجوانی و دلبستگی به والدین و هم‌تاها پاسخ دادند. نتایج حاصل از تحلیل t مستقل نشان داد که دو گروه دختران و پسران از لحاظ دلبستگی به والدین و جدایی-تفرد متفاوتند. همچنین رابطه‌ی معنادار بین دلبستگی به والدین و جدایی‌تفرد در هر دو گروه مورد تأیید قرار گرفت. اما نتایج حاصل از تحلیل زیرگروه (Z فیشر) نقش تعدیلی جنسیت را در رابطه بین دلبستگی به والدین و جدایی-تفرد تأیید نکرد. تبیین یافته‌های فوق نشان داد که فرایند جدایی-تفرد در دختران و پسران به صورت متفاوتی طی می‌شود. همچنین بر اساس نتایج پژوهش حاضر دختران نسبت به حمایت والدین و دسترس‌پذیری آنها در مواقع نیاز اطمینان کمتری دارند، این مسئله می‌تواند به شکل‌گیری سبک‌های دلبستگی نایمن منجر شده و به دنبال آن مانع از طی شدن موفقیت‌آمیز روند جدایی و فردیت‌یابی در دختران شود. **واژگان کلیدی:** جدایی-تفرد، جنسیت، دلبستگی پدري، دلبستگی مادری.

\* دکترای روانشناسی صنعتی-سازمانی، دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه اصفهان  
dr.oreyzi@edu.ui.ac.ir

\*\*کارشناس ارشد روانشناسی صنعتی-سازمانی، دانشگاه اصفهان

shabnam.javaanmard@gmail.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۱۱/۴

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۳/۳  
www.SID.ir

## ۱. مقدمه

دلبستگی<sup>۱</sup> و جدایی-تفرد<sup>۲</sup> دو فرایند مهم رشدی هستند که هر دو در کودکی ایجاد شده و در بزرگسالی بازفراخوانی می‌شوند. دلبستگی الگوی سازمان‌یافته‌ای از رفتار است که موجب حفظ پیوندهای عاطفی شده، در گستره‌ی عمر باقی مانده و به منظور حفظ و تنظیم میزان نزدیکی کودک به افراد بسیار خاص زندگی وی فعال می‌گردد.<sup>۳</sup> زمانی که این احساس امنیت در کودک شکل می‌گیرد، کودک از والد خود به عنوان پایگاه امنی برای کاویدن محیط و موقعیت بیگانه<sup>۴</sup> استفاده می‌کند [ص ۱، ۲۷۶]. آنچه که مفهوم دلبستگی را در عرصه‌ی مطالعات اجتماعی مورد توجه قرار می‌دهد، شبیه‌سازی دوباره‌ی موقعیت بیگانه‌ی ماری آینسورث<sup>۵</sup> در نوجوانی و هنگام ورود فرد به دانشگاه است [ص ۴۶، ۲۱۴]. دوری دانشگاه فرد از محل سکونت، شرایط جدیدی را برای او بوجود می‌آورد که در نتیجه‌ی آن فرایند جدایی-تفرد بار دیگر فراخوانی می‌شود. این مسئله که آیا دلبستگی ایمن، نوجوان را نیز مانند کودک، در کاوش موفق محیط بیگانه و فردیت‌یابی بدون اضطراب یاری می‌کند و آیا در این امر تفاوتی بین دختران و پسران وجود دارد یا خیر، موضوع پژوهش حاضر است.

## ۲. طرح مسأله

اگر جدایی-تفرد را جدایی احساسی از والدین و توانایی کسب احساس هویت به عنوان یک فرد مجزا در نظر بگیریم [۳۱] و دلبستگی را پیوند احساسی بادوامی بدانیم که بین فرزند و والدین در طول زندگی شکل می‌گیرد [۵۲]، تعامل این دو متغیر در سه سطح قابل بررسی خواهد بود. در سطح اول چگونگی رابطه‌ی این دو متغیر مهم رشدی مطرح می‌شود. بلوس<sup>۶</sup> [۱۰، ۱۱] بر اساس نظریه مارگارت ماehler<sup>۷</sup> [۴۷، ۴۵، ۴۶] دو نوع

1. attachment
2. separation-individuation

۳. بیشترین مطالب مربوط به پیشینه از این مقاله اخذ شده است.

4. strange situation
5. Mary Ainsworth
6. Blos

جدایی-تفرد کودکی و نوجوانی را از یکدیگر متمایز کرده و معتقد است که میزان موفقیت در طی کردن تجربیات این دو دوره، سلامت شخصیت، روابط اجتماعی و توانایی تصمیم‌گیری مستقل، دوران بزرگسالی فرد را پیش‌بینی می‌کند [۱۸]. این رویکرد از جریان مطالعات دهه‌های هفتاد و هشتاد میلادی که جدایی-تفرد را با موفقیت تحصیلی و سازگاری افراد مرتبط می‌دانستند [۳۱، ص ۲۱۶؛ ۳۲، ص ۱۵۷؛ ۳۷، ص ۲۸۶؛ ۴۰، ص ۱۲۳] و بر سبک‌های فرزندپروری فردیت‌مدار تأکید می‌کردند، حمایت پژوهشی دریافت کرد. اما مطالعات دهه نود با نقد این دیدگاه، آن دسته از رابطه‌های فرزند-والدی را ایده‌آل دانستند که بین جدایی روانشناختی و دلبستگی، حالتی از تعادل را حفظ کند [۳۸، ص ۲۷۹؛ ۲۱، ص ۲۲۴؛ ۲۸، ص ۴۱۵؛ ۲۹، ص ۱۰۴؛ ۳۴، ص ۹۲]. بر اساس آنچه که در نظریه نظام‌های خانوادگی<sup>۸</sup> [۴۱] مطرح شده است، دلبستگی ایمن به روند شکل‌دهی هویت جداگانه و مستقل از مراقب کمک می‌کند. در یک رابطه دلبستگی ایده‌آل، فرد در زمان پریشانی به جستجوی حمایت از نماد دلبستگی خود می‌پردازد [۴۸، ص ۳۴]؛ در حالی که اضطراب دلبستگی با اجتناب از تفرد همراه است [۵۶]. گروتوان<sup>۹</sup> [۲۷] نیز تأکید کرده است که بدون حمایت والدینی، جدا شدن از آنها به فردیت منجر نمی‌شود [۵۳، ص ۳۵۵]. در واقع این رویکرد، حمایت والدین و همسالان و تداوم ارتباط را زیربنای لازم برای فردیت می‌داند. پژوهش حاضر در سطح اول به بررسی چگونگی رابطه دو متغیر دلبستگی و جدایی-تفرد می‌پردازد.

در سطح دوم تفاوت دلبستگی و جدایی-تفرد در گروه‌های مختلف مطرح می‌شود. دو نوع دسته‌بندی مهم در این زمینه، مقوله‌بندی تخصیصی (بر مبنای جنسیت) و مقوله‌بندی خودگزینشی<sup>۱۰</sup> (بر مبنای انتخاب جدایی و تفرد) است. اولین گروهی که فرایند دلبستگی و جدایی-تفرد می‌تواند بین آنها متفاوت باشد زنان و مردان هستند. برخی روانشناسان بیان کرده‌اند که هویت جنسیتی و فرایند جدایی-تفرد در هم

7. Mahler

8. Family Systems Theory

9. Grotvan

10. Self-Selection

پیچیده‌اند [۲۵، ۱۵]. پسران بر خلاف دختران باید خود را از مادر جدا کرده و با پدرشان همانندسازی کنند که همین مسئله به تأکید نگرشی آنها بر جدایی و استقلال می‌انجامد [۱۶]. در واقع مردان سبک شخصیتی مستقل را رشد می‌دهند، در حالی که شخصیت زنان به سمت اولویت‌دهی به دلبستگی پیش می‌رود. در نتیجه جدایی-تفرد یک الگوی مرد سالار است و رشد زنان با درهم تنیدن و نه گسستن روابط میسر می‌شود [۳۴، ۳۵، ۳۶]. دومین گروهی که می‌توانند آماج تفاوت‌ها در دلبستگی و جدایی-تفرد باشند، افرادی هستند که در عمل و به صورت عینی جدایی-تفرد را برگزیده‌اند. برخی دانشجویان با جدا شدن از محیط خانواده، به دنبال فردیت و استقلال خویش هستند و دانشگاه‌های خارج از شهر خود را برای ادامه تحصیل انتخاب می‌کنند. در مقابل آنها افرادی قرار دارند که زندگی در کنار خانواده را به مستقل شدن ترجیح می‌دهند و دانشگاه خود را برای ادامه تحصیل در شهر محل سکونت خود انتخاب می‌کنند. سوال اینجاست که آیا این دو گروه از لحاظ دلبستگی به والدین و جدایی-تفرد با یکدیگر متفاوتند؟ آیا احساس آنها در مورد استقلال و فردیت‌یابی با اضطراب کمتری توأم است؟ پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سوال، در سطح دوم به بررسی فرضیه تفاوت متغیرهای دلبستگی و جدایی-تفرد در این دو گروه می‌پردازد.

در سطح سوم، فرضیه‌ی تفاوت رابطه‌ی دلبستگی با جدایی-تفرد بین دو گروه زنان و مردان مطرح می‌شود. در واقع این مسأله مطرح می‌شود که آیا زمینه‌ی وجود دلبستگی در پدیدآیی جدایی-تفرد بین پسران و دختران متفاوت است؟ با توجه به اینکه برخی از تفاوت‌ها بین گروه‌های مختلف می‌تواند ناشی از روابط بین آن متغیرها باشد، بررسی تفاوت در روابط ضروری به نظر می‌رسد. در مورد رابطه بین متغیرهای دلبستگی و جدایی-تفرد با توجه به نقش جنسیت یک نظریه مربوط به متغیر سوم (متغیر تعدیلی) است که بر تفاوت ساختار روابط متغیرهای روانشناختی در دو جنس متمرکز شده است. اگر در زنان، دلبستگی زمینه‌ساز جدایی-تفرد بوده و در مردان چنین رابطه‌ای حاکم نباشد، اطمینان از استحکام رابطه و دلبستگی، تنها برای فردیت‌یابی زنان حائز اهمیت خواهد بود. بنابراین، پژوهش حاضر در سطح سوم به

بررسی تفاوت رابطه‌ی دلبستگی با جدایی-تفرد، بین دو گروه دانشجویان دختر و پسر می‌پردازد.

### ۳. پیشینه پژوهشی

پژوهش‌های دهه نود نشان دادند نوجوانانی که سبک دلبستگی ایمن دارند درگیر مشکلات هیجانی [۱۳،۳۳،۵۴]، مشکلات ارتباطی و انزوا [۹،۱۲] و پریشانی‌های روانشناختی مثل افسردگی و اضطراب [۸] نمی‌شوند. اما در زمینه تفاوت زنان و مردان در دلبستگی و جدایی-تفرد نتایج ناهماهنگی وجود دارد. پژوهش‌ها نشان داده است که مردان نمرات بالاتری در استقلال عملکردی از مادر [۴۲] و استقلال روانشناختی از والدین [۲۳] کسب می‌کنند. اما زنان جوان ارتباط عاطفی بیشتری با پدر و مادر [۲۰]، ارزش‌گذاری بیشتر به پیوندها و نزدیکی‌های خانوادگی [۴۷]، حساسیت بیشتر به تعارض با والدین [۳۲،۴۴] وابستگی بیشتر به هر دو والد [۳۷] را نشان می‌دهند. پژوهش دادستان و همکاران [۴] نیز تفاوت دختران و پسران را در قلمرو جدایی-تفرد نشان داده است. با این حال نتایج برخی پژوهش‌ها نشان داد که در فرایند جدایی-تفرد تفاوت جنسیتی وجود ندارد [۱۹،۵۰،۱۴،۳۰]. همچنین نشان داده شده است که جدایی-تفرد دوره‌ی نوجوانی با جدا شدن از خانواده برای ورود به دانشگاه بروز و ظهور می‌کند [۳۱، ۳۲، ۵۱]. پژوهش حاضر با توجه به مباحث نظری، ناهماهنگی نتایج پژوهش‌های پیشین و همچنین فقدان پژوهش داخلی کافی به بررسی فرضیه‌های زیر می‌پردازد.

### ۴. فرضیه‌های تحقیق

- اضطراب از جدایی-تفرد در دانشجویان دختر به صورت معناداری بیش از دانشجویان پسر است.

- دلبستگی دانشجویان دختر به صورت معناداری بیش از دانشجویان پسر است.

- اضطراب از جدایی-تفرد در دانشجویانی که اولین رشته خود را داخل شهر خود انتخاب کرده‌اند، به صورت معناداری بیش از دانشجویانی است که رشته‌ای خارج از شهر خود را انتخاب کرده‌اند.

- بین دلبستگی و اضطراب از جدایی-تفرد رابطه‌ی منفی معنادار وجود دارد.  
- رابطه بین دلبستگی به والدین و جدایی-تفرد بین دانشجویان دختر با این رابطه بین دانشجویان پسر تفاوت معنادار دارد.

## ۵. روش‌شناسی تحقیق

نمونه پژوهش حاضر ۳۰۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان (حدود ۱۶۰۰۰ نفر) می‌باشند که با توجه به تحلیل زیرگروه [۶، ص ۳۸۶] به تعداد برابر انتخاب شدند ( $\pi_1 = \pi_2 = 150$ ). با توجه به عدم تکمیل برخی پرسشنامه‌ها، حجم نمونه به ۱۴۶ دختر و ۱۴۴ پسر کاهش یافت. حجم نمونه با تعیین واریانس در یک نمونه مقدماتی مستقل ( $N=50$ ) با توجه به  $d=0/05$  و  $t=1/96$  در فرمول کوکران بدست آمد که به دو بخش مساوی تقسیم شد و در بین پسران و دختران به صورت جداگانه و تصادفی انجام گرفت. میانگین سنی دختران ۲۱/۱۹ با انحراف معیار ۱/۴۲، و میانگین سنی پسران ۲۰/۸۳ با انحراف معیار ۲/۰۷ بود.

### ۵-۱. ابزارهای پژوهش

از آنجایی که ابزارهای پژوهش برای نخستین بار به زبان فارسی ترجمه می‌شد، بازگردانی مجدد به متن انگلیسی و تطبیق آن با متن اصلی، اعتباریابی صوری با استفاده از نمونه دانشجویی و اعتباریابی محتوایی توسط اساتید روانشناسی انجام گرفت. پرسشنامه جدایی-تفرد نوجوانی<sup>۱۱</sup> (SITA): در این پژوهش، احساس فعلی نسبت به فرایند جدایی و فردیت‌یابی توسط SITA [۳۹، ۴۰] سنجیده شده است. در پژوهش حاضر سه زیر مقیاس از هفت زیر مقیاس این پرسشنامه‌ی ۱۰۳ گزاره‌ای استفاده شد

که هر سه بر اضطراب فرایند جدایی متمرکزند. در پژوهش ماتانا، هنکوک و براند<sup>۱۲</sup> [ص ۴۶، ۲۱۶] مقدار آلفای کرونباخ برای زیر مقیاس اضطراب جدایی، در زنان ۰/۷۸ و در مردان ۰/۷۱، برای غوطه‌وری در اضطراب به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۷۵ و برای انتظار طرد ۰/۸۳ و ۰/۸۱ بدست آمده است. ضرایب اعتبار و آلفای کرونباخ این زیرمقیاس‌ها در پژوهش حاضر به ترتیب ۰/۶۴، ۰/۶۲ و ۰/۶۹ و ۰/۸۱، ۰/۷۴ و ۰/۷۶ می‌باشد.

پرسشنامه دلبستگی به والدین و هم‌تاها<sup>۱۳</sup> (IPPA): سبک دلبستگی به والدین در این پژوهش توسط IPPA [ص ۸، ۴۵۱] مورد سنجش قرار گرفته است. IPPA از سه بخش ۲۵ سوالی تشکیل شده است که امنیت دلبستگی به مادر، پدر و هم‌تاها را در سه زیر مقیاس اعتماد<sup>۱۴</sup>، ارتباطات<sup>۱۵</sup> و بیگانگی<sup>۱۶</sup> می‌سنجد. با توجه به تمرکز این پژوهش بر دلبستگی به والدین، از زیر مقیاس دلبستگی هم‌تاها در پژوهش حاضر استفاده نشده است. در اعتباریابی آرمسدن و گرینبرگ<sup>۱۷</sup> [ص ۸، ۴۳۴] آلفای کرونباخ زیر مقیاس‌های اعتماد، ارتباطات و بیگانگی، به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۹۱ و ۰/۸۶ گزارش شد. ضرایب اعتبار در پژوهش حاضر، برای ابعاد اعتماد، ارتباطات و بیگانگی به مادر به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۷۷ و ۰/۷۹، و برای دلبستگی به پدر ۰/۸۱، ۰/۸۴ و ۰/۸۳ بدست آمد. آلفای کرونباخ هر یک از این زیر مقیاس‌ها برای دلبستگی مادری به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۸۳ و ۰/۷۴ و دلبستگی پدری ۰/۷۵، ۰/۷۹ و ۰/۷۸ می‌باشد.

## ۶. یافته‌های تحقیق

به منظور بررسی فرضیه‌های پژوهش تحلیل در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام شد که نتایج آن در جداول ۱ تا ۴ ارائه شده است.

- 
12. Mattanah, Hancock & Brand
  13. The inventory of parent and peer attachment
  14. Trust
  15. Communication
  16. Alienation
  17. Armsden & Greenberg

جدول ۱. مقایسه دو گروه پسران و دختران در جدایی-تفرد و دلبستگی به والدین

t	پسران (n=۱۴۴)		دختران (n=۱۴۶)		متغیر	بعد
	SD	M	SD	M		
۹/۱۴**	۰/۶۱	۲/۱۸	۰/۵۹	۲/۸۲	اضطراب جدایی	جدایی- تفرد
۵/۸۲**	۰/۷۸	۲/۱۶	۰/۷۷	۲/۶۹	غوطه وری در اضطراب	
۸/۸۴**	۰/۵۲	۱/۴۱	۰/۵۴	۱/۹۶	انتظار طرد	
۴/۳۰*	۰/۶۲	۴/۴۱	۰/۷۲	۴/۰۷	اعتماد	دلبستگی مادری
۷/۱۸**	۰/۷۱	۳/۲۶	۰/۶۹	۳/۸۵	ارتباطات	
۷/۶۸**	۰/۷۲	۲/۱۱	۰/۸۹	۲/۸۴	بیگانگی	
۳/۵۸*	۰/۷۹	۴/۴۳	۰/۸۳	۴/۰۹	اعتماد	دلبستگی پدری
۳/۰۳*	۰/۷۵	۴/۳۷	۰/۹۳	۴/۰۷	ارتباطات	
۳/۰۲*	۰/۸۳	۲/۱۸	۰/۸۲	۲/۴۷	بیگانگی	

$$* = P \leq 0.05, ** = P \leq 0.01$$

نتایج آزمون t مستقل به منظور بررسی تفاوت دختران و پسران در زیرمقیاس‌های جدایی-تفرد و دلبستگی به والدین در جدول ۱ نشان می‌دهد پسران به طور معناداری اضطراب کمتری از جدایی-تفرد دارند که در جهت تأیید فرضیه ۱ است. در دلبستگی مادری نیز این تفاوت معنادار بوده و میانگین بیشتر در زیرمقیاس‌های ارتباطات و بیگانگی متعلق به دختران و در زیر مقیاس اعتماد مربوط به پسران دانشجویست. در زیرمقیاس‌های دلبستگی پدری نیز پسران نمرات ارتباطات و اعتماد بیشتر و بیگانگی کمتری کسب کرده‌اند. این نتایج فرضیه ۲ را رد می‌کند.



## جدول ۲. مقایسه دو گروه انتخاب رشته داخل شهر و انتخاب رشته خارج

## شهر در جدایی-تفرد و دلبستگی به والدین به تفکیک جنسیت

t کل	انتخاب رشته خارج از شهر (n=۱۰۷)			انتخاب رشته داخل شهر (n=۱۸۳)			گروه	متغیر	بعد
	t	SD	M	t	SD	M			
۱۲/۳۶**	۳/۷۵*	۰/۳۱	۲/۶۱	۱/۲۷	۰/۱۴	۲/۹۱	دختران	اضطراب جدایی	دلبستگی مادری
			۱/۴۵			۲/۷۳			
۵/۴۸**	۱/۱۶	۰/۰۹	۲/۱۴	۳/۱۷*	۰/۲۲	۲/۹۳	دختران	غوطه وری در اضطراب	
			۲/۰۳			۲/۲۳			
۱۰/۰۲**	۱/۴۲	۰/۱۸	۱/۵۲	۶/۱۸**	۰/۶۳	۲/۱۵	دختران	انتظار طرد	
			۱/۲۶			۱/۵۲			
۶/۱۶**	-۳/۶۶*	۰/۱۷	۴/۲۱	-۱/۰۸	۰/۰۵	۴/۰۱	دختران	اعتماد	
			۴/۸۳			۴/۰۷			
۷/۹۸**	۶/۴۹**	۰/۱۶	۳/۶۹	۱/۴۲	۰/۱۶	۳/۹۲	دختران	ارتباطات	
			۲/۶۸			۳/۶۹			
۶/۹۶**	۴/۷۷**	۰/۱۱	۲/۲۶	۴/۲۸**	۰/۱۷	۳/۰۹	دختران	بیگانگی	
			۱/۷۵			۲/۳۷			
۱/۰۷	-۸/۳۸**	۰/۲۲	۳/۱۰	۳/۸۶*	۰/۱۳	۴/۵۳	دختران	اعتماد	
			۴/۹۶			۴/۰۱			
۴/۵۴*	-۵/۴۶**	۰/۲۵	۳/۴۰	۷/۲۳**	۰/۰۸	۴/۲۸	دختران	ارتباطات	
			۴/۷۵			۳/۶۷			
۱/۱۷	۱/۹۸	۰/۳۱	۲/۶۴	۲/۱۶	۰/۱۲	۲/۳۹	دختران	بیگانگی	
			۲/۲۲			۲/۱۴			

انحراف معیار ادغام شده = SD,  $P \leq ۰/۰۱$ , \*\* =  $P \leq ۰/۰۵$ , \* =  $P \leq ۰/۰۱$

به منظور بررسی تفاوت دو گروه انتخاب رشته داخل شهر و انتخاب رشته خارج از شهر، در زیر مقیاس‌های جدایی-تفرد و دلبستگی به والدین از آزمون t مستقل استفاده شد. نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که این دو گروه در هر سه زیرمقیاس جدایی-تفرد تفاوت معنادار دارند ( $p < ۰/۰۱$ ). افرادی که به طور آگاهانه استقلال را برگزیده‌اند، به صورت معناداری اضطراب جدایی ( $M=۱/۹۴$ )، غوطه‌وری در اضطراب ( $M=۲/۰۸$ ) و انتظار طرد ( $M=۱/۶۱$ ) پایین‌تری دارند و در مقایسه با گروه انتخاب رشته داخل شهر (به ترتیب زیرمقیاس‌ها:  $M=۲/۸۳$ ,  $M=۲/۶۲$ ,  $M=۲/۳۲$ ) اضطراب کمتری از جدایی

دارند. این یافته فرضیه ۳ پژوهش را تأیید می‌کند. نتایج به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد که تفاوت دختران و پسران در گروه انتخاب رشته خارج از شهر ( $n_m=62$ )، تنها در اضطراب جدایی و در گروه انتخاب رشته داخل شهر ( $n_m=82$ ) در غوطه‌وری در اضطراب و انتظار طرد معنادار است. جدول ۲ همچنین نشان می‌دهد که در ابعاد دلبستگی مادری تفاوت دو گروه انتخاب رشته داخل شهر و خارج از شهر معنادار است و به جز در بعد ارتباطات، برتری میانگین با گروه انتخاب رشته خارج از شهر است. یافته‌های مربوط به ابعاد دلبستگی پدری نشان می‌دهد گروه انتخاب رشته خارج از شهر ( $M=4/10$ ) در مقایسه با گروه انتخاب رشته داخل شهر ( $M=4/01$ )، به طور معناداری ارتباطات بیشتری با پدر خود دارند و پسران گروه انتخاب رشته خارج از شهر نسبت به دختران این گروه ارتباطات بیشتری با پدر خود دارند.

جدول ۳. مقایسه رابطه بین جدایی-تفرد با دلبستگی پدری در بین دختران و پسران

جدایی	گروه	آماره	دلبستگی			Z تفاوت		
			اعتماد	ارتباطات	بیگانگی	اعتماد	ارتباطات	بیگانگی
اضطراب جدایی	دختران $n=146$	r	-0/16*	-0/14*	0/38**	0/458	0/091	-0/825
		$Z_T$	-0/16	-0/14	0/40			
	پسران $n=144$	r	-0/17*	-0/19*	0/47**			
		$Z_T$	-0/17	-0/19	0/51			
غوطه‌وری در اضطراب	دختران	r	-0/29*	-0/19*	0/21*	0/642	0/101	-1/559
		$Z_T$	-0/30	-0/19	0/21			
	پسران	r	-0/29*	-0/26*	0/38**			
		$Z_T$	-0/29	-0/26	0/40			
انتظار طرد	دختران	r	0/35**	-0/31*	0/48**	1/10	0/155	-1/009
		$Z_T$	-0/37	-0/32	0/52			
	پسران	r	-0/41**	-0/43**	0/59**			
		$Z_T$	-0/44	-0/46	0/68			

\* =  $P < 0/05$ , \*\* =  $P < 0/01$

به منظور بررسی رابطه بین جدایی-تفرد و دل‌بستگی به والدین از ضرایب همبستگی پیرسون استفاده شد. ضرایب همبستگی جدول ۳ نشان می‌دهد که بین زیرمقیاس‌های دل‌بستگی پدری و جدایی-تفرد ارتباط منفی معنادار وجود دارد ( $p < 0/05$ ) و فرضیه ۴ پژوهش در بخش دل‌بستگی پدری تأیید می‌شود. نتایج حاصل از تحلیل  $Z$  فیشر نشان می‌دهد که رابطه بین دل‌بستگی پدری و جدایی-تفرد در دو گروه دختران و پسران تفاوت معنادار ندارد ( $Z < 1/96$ ) و فرضیه ۵ پژوهش در بخش دل‌بستگی به پدر رد می‌شود.

جدول ۴. مقایسه رابطه بین جدایی-تفرد با دل‌بستگی مادری در بین دختران و پسران

Z تفاوت			دل‌بستگی			آما ره	گروه	جدایی- تفرد
بیگانگی	ارتباطات	اعتماد	بیگانگی	ارتباطات	اعتماد			
۰/۶۴۲	-۰/۶۴۲	-۱/۵۵۹	۰/۴۴**	-۰/۲۹*	۰/۳۵**	r	دختران n=۱۴۶	اضطراب جدایی
			۰/۴۷	-۰/۳۰	-۰/۳۷	$Z_r$		
			۰/۵۱**	-۰/۲۲*	-۰/۱۸*	r	پسران n=۱۴۴	
			۰/۵۶	-۰/۲۲	-۰/۱۸	$Z_r$		
-۰/۳۶۶	-۱/۵۵۹	-۰/۹۱۷	۰/۳۷**	-۰/۴۳**	۰/۵۷**	r	دختران	غوطه وری در اضطراب
			۰/۲۹	-۰/۴۶	-۰/۶۵	$Z_r$		
			۰/۴۱**	-۰/۲۶*	-۰/۴۷**	r	پسران	
			۰/۴۴	-۰/۲۶	-۰/۵۱	$Z_r$		
۱/۵۵۹	-۱/۲۸۴	-۱/۶۵۱	۰/۶۱**	-۰/۵۶**	۰/۵۹**	r	دختران	انتظار طرد
			۰/۷۱	-۰/۶۳	-۰/۶۸	$Z_r$		
			۰/۴۴**	-۰/۴۲**	-۰/۴۱**	r	پسران	
			۰/۴۷	-۰/۴۵	-۰/۴۴	$Z_r$		

$$* = P < 0/05, ** = P < 0/01$$

ضرایب همبستگی جدول ۴ نشان می‌دهد که رابطه بین زیرمقیاس‌های دل‌بستگی مادری و جدایی-تفرد منفی و معنادار است ( $p < 0/05$ ). بنابراین فرضیه ۴ پژوهش در بخش دل‌بستگی مادری نیز تأیید می‌شود. نتایج حاصل از تحلیل  $Z$  فیشر نشان می‌دهد که رابطه بین دل‌بستگی مادری و جدایی-تفرد در دو گروه دختران و پسران تفاوت معنادار ندارد ( $Z < 1/96$ ) و فرضیه ۵ در بخش دل‌بستگی به مادر نیز رد می‌شود.

## ۷. بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی تعاملات دلبستگی به والدین و جدایی-تفرد در سه سطح با تمرکز بر نقش تفاوت‌های جنسیتی بود. یافته‌های پژوهش نقش تفاوت‌های جنسیتی را هم در جدایی-تفرد و هم در دلبستگی به والدین تأیید کرد. نتایج نشان داد که فرایند جدایی-تفرد در دختران و پسران به صورت متفاوتی طی می‌شود. این یافته با پژوهش‌های رایس، کول و لاپسلی<sup>۱۸</sup> [۵۱]، کنی و دونالدسون<sup>۱۹</sup> [۳۶] و دادستان و همکاران [۴] هماهنگ است و بیان می‌کند که دختران اضطراب جدایی، اضطراب غوطه‌وری و انتظار طرد بیشتری دارند. در واقع ترس دختران نسبت به از دست دادن روابط با افراد مهم زندگی [۴۰، ص ۱۲۵] بیش از ترس پسران است. از آنجایی که ارتباط، هسته‌ی اصلی رشد در زندگی زنان به حساب می‌آید و وابستگی با الگوهای نقش جنسیتی زنانه منطبق است، اما هسته اصلی تحول مردان، استقلال است [۴، ص ۱۵]، می‌توان انتظار داشت که چنین تفاوت معناداری وجود داشته باشد. والدین رفتار دختران را به سمت جستجوی روابط نزدیک و حفظ آنها متمایل می‌سازند، اما پسران را به سوی عملکرد مستقل سوق می‌دهند [۴۳، ۲۴]. این یافته همچنین با نظریاتی که به تفاوت فرایند جدایی-تفرد بین دختران و پسران معتقدند [۲۵، ۱۵] همسوست. اما با پژوهش گنالاتی و هینه<sup>۲۰</sup> [۲۶] که زنان و مردان را در بیشتر ابعاد شبیه به یکدیگر می‌داند، ناهماهنگ است.

همچنین نشان داده شد که دختران و پسران در دلبستگی به والدین متفاوتند. دلبستگی پسران به مادر، به جز در ارتباطات، بیش از دختران است. در واقع پسران بیش از دختران معتقدند که مادران نیازهای آنان را درک کرده، به تمایلات آنها احترام می‌گذارند و نسبت به حالات هیجانی آنها حساس و پاسخگو هستند. همچنین خشم و ناامیدی ناشی از پاسخگو نبودن مادر به خواسته‌های آنان یا عدم ثبات در این پاسخ‌گویی [۸، ص ۴۲۸] در پسران کمتر است. دلبستگی پسران به پدر نیز بیش از

18. Rice, Cole & Lapsley

19. Kenny & Donaldson

20. Gnaulati & Heine

دختران گزارش شد. این یافته نشانگر این نکته است که پسران نسبت به حمایت‌گر بودن پدر اعتماد بیشتری داشته، ارتباطات نیرومندتری با وی دارند و در مقایسه با دختران، با پدر خود بیگانگی کمتری احساس می‌کنند. برای تبیین این یافته می‌توان به فرایندهای رشد در نوجوانی اشاره کرد. نوجوانی از یک سو، دوره‌ای است که در آن خودمختاری بیش از هر زمان دیگری برای فرد اهمیت پیدا می‌کند. نوجوانان به آزادی تجربه کردن نیاز دارند [۲، ص ۷۷] و می‌خواهند هویت خود را به عنوان افراد خودگردان تثبیت کنند [۵۵، ص ۸۴۲]. اما از آنجایی که والدین مطابق با نوع جامعه‌پذیری در جامعه‌ی ایرانی، دختران را آسیب‌پذیرتر و شکننده‌تر می‌دانند و معتقدند که حمایت بیشتری باید از آنان صورت گیرد، حیطة اختیارات و گرایش‌های استقلال‌طلبانه‌ی آنان را محدود می‌کنند. از سوی دیگر نوجوانی دوره تشدید جنسیت<sup>۲۱</sup> است. به این معنی که کلیشه‌سازی جنسی نگرش‌ها و رفتارها در این دوره افزایش می‌یابد [۲۲]. با اینکه تشدید جنسیت در هر دو جنس اتفاق می‌افتد، اما در دخترها نیرومندتر است؛ زیرا برای فعالیت‌های میان جنسیتی که در اواسط کودکی انجام می‌داده‌اند آزادی عمل کمتری دارند. والدین نیز فعالیت‌ها و رفتارهای متناسب با جنسیت را در نوجوانی بیشتر از کودکی تشویق می‌کنند و به خصوص آنهایی که عقاید نقش سنتی جنسیتی دارند (به این مفهوم که معتقد به کلیشه‌های سنتی از این قبیل هستند که رفتارهای معطوف به استقلال مربوط به پسران و وابستگی و تحت حمایت بودن مختص دختران است)، به تشدید جنسیت دامن می‌زنند [۱۷، ص ۳۳۷]. در نتیجه برخی از نیازها و خواسته‌های دختران نادیده گرفته شده و به رسمیت شناخته نمی‌شوند و به دنبال آن حمایت کمتری نیز از اقدامات جستجوگرانه‌ی آنها صورت می‌پذیرد. همچنین ممکن است اشتباهات آنان نسبت به پسران غیر قابل بخشش‌تر به نظر آید. همین امر موجب می‌شود دختران نسبت به دسترس‌پذیری و پاسخگو بودن خانواده شک و تردید بیشتری داشته باشند. حال آنکه پسران با توجه به طرحواره‌های جنسیتی و تجربیات گذشته، با

یقین بیشتری والدین را حامی و پشتیبان تجربیات جدید خود می‌دانند و در نتیجه اعتماد و اطمینان بیشتری را نسبت به والدین پرورش می‌دهند.

در بخش دیگری از یافته‌ها، تفاوت گروه انتخاب رشته خارج شهر با گروه انتخاب رشته داخل شهر، در فرایند جدایی-تفرد تأیید شد. انتخاب رشته خارج از شهر و به عبارت دیگر استقلال طلبی بیشتر با اضطراب کمتر از استقلال و جدایی-تفرد همراه است. اما دختران این گروه، با وجود اینکه به انتخاب خود به تحصیل خارج از محل سکونت پرداخته‌اند، نسبت به پسران اضطراب بیشتری از جدایی دارند. به عبارت دیگر حتی دخترانی که خود به پیشواز استقلال می‌روند نیز در این راه متحمل فشار روانی ناشی از جدایی می‌شوند. این نکته بار دیگر تفاوت مسیر رشدی دختران و پسران در جدایی-تفرد را هماهنگ با نظریات گیلیگان<sup>۲۲</sup> [۲۵] نشان می‌دهد. نکته‌ی دیگری که تبیین آن ضروری است، ارتباطات نیرومندتر گروه انتخاب رشته خارج از شهر با پدرانشان است. این یافته نشان می‌دهد که انتخاب رشته خارج از شهر و تمایل بیشتر به استقلال، به همانندسازی با پدران مربوط می‌شود. در واقع افراد با ارتباطات پدری بالا گرایش بیشتری به استقلال و فردیت‌یابی داشته‌اند. این یافته برای گروه پسران با پیشینه پژوهش هماهنگ است. پسرانی که دلبستگی پدری را در سطح بالاتری داشته‌اند توانسته‌اند جدایی-فردیت خود را بر مبنای آن پایه‌ریزی کنند. اما در مورد دختران این نکته برعکس است. دخترانی که خارج از شهر را برای تحصیل برگزیده‌اند، اعتماد کم و ارتباط ضعیفی با پدر خود دارند. این نکته می‌تواند به گرایش این دختران برای دوری صرف از محیط بیگانه‌ی خانواده و نه گرایش آنان به استقلال طلبی برگردد. دخترانی که نسبت به دسترس‌پذیری و پاسخگویی پدر شک و تردید داشته و ارتباطات گسترده‌ای نیز با وی ندارند، در محیط خانواده با مشکلاتی روبرو می‌شوند و همواره به دنبال راهی برای دوری از این مشکلات و در واقع دوری از خانواده هستند؛ که انتخاب شهری دیگر برای تحصیل یکی از موجه‌ترین این راه‌ها برای دختران در جامعه‌ی ایرانی است. به عبارت دیگر انتخاب رشته خارج از شهر برای دوری از خانواده، به ویژه در

دختران، فقط به فردیت‌خواهی و استقلال‌طلبی مربوط نبوده و گاهی به منظور دوری از محیط پر آشوب یا بیگانه‌ی خانواده است. این نکته همچنین اهمیت دلبستگی به پدر و کیفیت روابط با او را به خصوص در دختران نشان می‌دهد؛ اما در بعد دلبستگی مادری جهت رابطه عکس نیست و هم در دختران و هم پسران، اعتماد بیشتر و بیگانگی کمتر زمینه‌ساز انتخاب رشته خارج از شهر و ارتباطات بیشتر سبب انتخاب رشته داخل شهر شده است. در واقع ارتباط نیرومند با مادر به همانندسازی با او انجامیده و الگوهای وابستگی را در فرد تقویت می‌کند. بنابراین از بین ابعاد دلبستگی به مادر، تنها ارتباطات است که بر استقلال‌طلبی و فردیت‌یابی افراد تأثیر عکس دارد. مجموع این عوامل نشان دهنده این نکته است که گرایش به استقلال و فردیت (به خصوص در پسران) با دلبستگی ایمن ضدیت ندارد؛ زیرا همان‌گونه که یافته‌ها بیان می‌کنند افراد مستقل به پدر و مادر خود دلبستگی نیرومندی دارند و این دلبستگی نه تنها مانع از جدایی آنان نشده، بلکه آن را تسهیل نیز کرده است. این تأثیر به دلیل ارتباط بین دلبستگی به والدین و جدایی-تفرد است که در بخش دیگری از یافته‌های پژوهش حاضر به تأیید رسید. یافته‌ها نشان داد که اعتماد و ارتباطات بالا، همچنین بیگانگی کم نسبت به والدین می‌تواند اضطراب ناشی از فرایند جدایی-تفرد را کاهش دهد. در واقع نشان داده شد که دلبستگی به والدین می‌تواند زمینه‌ساز طی شدن موفق فرایند جدایی-تفرد باشد. این پژوهش همسو با مطالعات دهه نود مبنی بر اهمیت هر دو مفهوم دلبستگی و جدایی-تفرد و تأکید بر ایجاد تعادل بین آنها [۳۸،۲۱،۲۸،۲۹،۳۴،۴۹،۵۲،۵۴] نشان می‌دهد که بدون حمایت والدینی، جدا شدن از آنها منجر به فردیت نخواهد شد. این ارتباط در هر دو گروه دختران و پسران یکسان است و نشان می‌دهد که چه دختران و چه پسران برای فردیت‌یابی، به حمایت والدین و تداوم ارتباط با آنها نیاز دارند. در واقع نقش تعدیلی جنسیت در رابطه بین دلبستگی به والدین و جدایی-تفرد تأیید نشد. این موضوع نشان‌دهنده‌ی ساختار یکسان در رابطه بین دو متغیر و جدا نشدن مسیر رشد دختران و پسران از یکدیگر است. این یافته با برخی پژوهش‌ها که رابطه بین دلبستگی

و تمایز یافتگی<sup>۲۳</sup> را بررسی کرده‌اند [۳، ۵، ۷] هماهنگ است. در این پژوهش‌ها نشان داده شده است که خشنودی از ازدواج با دل بستگی به والدین و جدایی-تفرد ارتباط دارد. هر چند در این پژوهش‌ها الگوی این رابطه را به طور مجزا برای زنان و مردان بررسی نکرده‌اند، اما با توجه به رابطه‌ی قوی، احتمالاً این رابطه در دو جنس مشابه بوده است، زیرا اگر جهت رابطه‌ها در دو جنس (زن و مرد) برعکس بود، سبب کاهش رابطه هنگام در هم تنیدن داده‌ها می‌شد. یافته‌های پژوهش حاضر نیز نشان می‌دهد که بهره‌مندی از دل بستگی در جدایی-تفرد نقش دارد، اما جنسیت در این رابطه نقشی ندارد.

آنچه که در موفقیت دوران نوجوانی و گذار از نوجوانی به جوانی اهمیت فراوانی می‌یابد ادراک افراد از ظرفیت بالقوه‌ی والدین برای حمایت از آنهاست [۸، ص ۴۲۹]. نوجوانان در صورتی می‌توانند از وابستگی رها شده و برای کسب موفقیت به جستجوی مستقل جهان بپردازند که از ظرفیت بالقوه‌ی والدین خود برای حمایت اطمینان پیدا کنند. هر چند پسران بیشتر از جدایی-تفرد استقبال می‌کنند و با اضطراب کمتری از والدین خود جدا می‌شوند، ولی دل بستگی به والدین و اطمینان از قابل اعتماد بودن آنان در مواجهه با مشکلات در هر دو جنس زمینه‌ساز استقلال است. آنچه که پژوهش حاضر نشان می‌دهد این است که دختران نسبت به حمایت والدین و دسترس‌پذیری آنها در مواقع نیاز اطمینان کمتری دارند. این مسئله می‌تواند به شکل‌گیری سبک‌های دل بستگی نایمن منجر شده و به دنبال آن مانع از طی شدن موفقیت‌آمیز روند فردیت‌یابی شود. از آنجایی که تفرد و هویت‌یابی به عنوان یک فرد مستقل از والدین، آغازی است بر جستجوی جهان و کسب موفقیت‌های فردی، اختلال در این فرایند مهم، مانع شکوفایی تمام و کمال ظرفیت‌های بالقوه‌ی زنان می‌شود؛ و این خود مانعی جدید است که پیشرفت اجتماعی و شغلی زنان را دشوار می‌سازد. رشد احساس خود ارزشمندی و توانایی اعتماد به دیگران که نتایج مستقیم پرورش سبک دل بستگی ایمن هستند و همچنین لزوم انتقال این نوع سبک دل بستگی به نسل آینده به منظور تضمین سلامت روانی و اجتماعی آنان، به روشنی اهمیت این مفهوم و لزوم آگاه کردن والدین



در این زمینه را از طریق شیوه‌های آموزشی کارآمد نشان می‌دهد. از آنجایی که تجارب والدینی می‌تواند در گسترش فضای اعتماد و بهبود ارتباطات مؤثر باشد، تهیه بسته‌ی آموزشی برای بهبود ارتباطات، اعتماد و کاهش بیگانگی فرزندان در بهبود سبک‌های دلبستگی بزرگسالی، همچنین بسترسازی برای فردیت‌یابی سالم مؤثر است. پیشنهاد محققین به نظام آموزش و پرورش و آموزش والدین به طور همزمان، غنی‌سازی تجارب مربوط به اعتماد به فرزندان، برقراری ارتباطات مؤثرتر و کاهش بیگانگی است.

## منابع

- [۱] برک، ل. الف. (۱۳۸۶ الف). روان‌شناسی رشد (از لقاح تا کودکی). (یحیی سیدمحمدی). تهران: نشر ارسباران.
- [۲] ----- (۱۳۸۶ ب). روان‌شناسی رشد (از نوجوانی تا پایان زندگی). (یحیی سیدمحمدی). تهران: نشر ارسباران.
- [۳] بیرامی، م؛ فهیمی، ص؛ اکبری، الف؛ امیری پیچاکلایی، ا. (۱۳۹۱). «پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و مولفه‌های تمایز یافتگی». فصلنامه اصول بهداشت روانی، ۱۴ (۱)، ۶۴-۷۷.
- [۴] دادستان، پ؛ حق‌بین، م؛ بزازیان، س؛ حسن‌زاده توکلی، م. (۱۳۸۳). «جدایی روانشناختی از والدین و پیشرفت تحصیلی: یک پژوهش درباره تفاوت‌های جنسی و فرهنگی». فصلنامه روانشناسان ایرانی، ۱ (۱)، ۳-۲۰.
- [۵] علیکی، الف؛ نظری، الف، م. (۱۳۸۸). «بررسی رابطه بین تمایز یافتگی خود و خشنودی از ازدواج کارکنان دانشگاه تربیت معلم». مجله پژوهش و آموزش مشاوره، ۷ (۲۶)، ۷-۲۴.
- [۶] گال، م؛ بورگ، و؛ گال، ج. (۱۳۹۰). روش‌های کمی و کیفی تحقیق در علوم تربیتی و روان‌شناسی. مترجم: احمدرضا نصر، حمیدرضا عریضی، محمود ابوالقاسمی، جعفر پاک‌سرشت، علیرضا کیامانش، خسرو باقری، محمد خیر، منیجه شهنی‌بیلاق، زهره خسروی). چاپ ششم. تهران: دانشگاه شهیدبهشتی و سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی دانشگاه‌ها (سمت).
- [۷] نجف‌لوی، ف. (۱۳۸۶). «نقش تمایز یافتگی در رابطه زناشویی». مجله یافته‌های نوین تربیتی، ۲ (۴-۳)، ۳۷-۲۷.
- [8] Armsden, G.; Greenberg, M. (1987). "The Inventory of Parent and Peer Attachment: Individual differences and their relationship to psychological well-being in adolescence". *Journal of Youth and Adolescence*, 16, 427-454.
- [9] Blain, M.; Thompson, J.; Whiffen, V. (1993). "Attachment and perceived social support in late adolescence: The interaction between working models of self and others". *Journal of Adolescent Research*, 8, 226-241.

- [10] Blos, P. (1967). "The second individuation process of adolescence". *The Psychoanalytic Study of the Child*, 22, 162-196.
- [11] ----- (1979). *The adolescent passage: Developmental issues*. New York: International University Press.
- [12] Brack, G; Gay, M; Matheny, K. (1993). "Relationships between attachment and coping resources among late adolescents". *Journal of College Student Development*, 34, 212-215.
- [13] Bradford, E.; Lyddon, W. (1993). "Current parental attachment: Its relation to perceived psychological distress and relationship satisfaction in college students". *Journal of College Student Development*, 34, 256- 260.
- [14] Bray, .I. H., & Harvey, D. M. (1992). "Intimacy and individuation in young adults: Development of the young adult version of the Personal Authority in the Family System Questionnaire". *Journal of Family Psychology*, 6, 152-163.
- [15] Chodorow, N. (1989). *Feminism and psychoanalytic theory*. New Haven, CT: Yale University Press.
- [16] ----- (1990). "Gender, relation, and difference in psychoanalytic perspective". In C. Zanardi (Ed.), *Essential papers on the psychology of women* (pp. 420-436). New York: New York University Press.
- [17] Crouter, A. C., Manke, B. A., & McHale, S. M. (1995). The family context of gender intensification in early adolescence. *Child Development*, 66, 317-329.
- [18] Downing, H. M.; Nauta, M. M. (2010). "Separation-individuation, exploration, and identity diffusion as mediators of the relationship between attachment and career indecision". *Journal of Career Development*, 36(3), 207-227.
- [19] Frank, S. J.; Pirsch, L. A.; Wright, V. C. (1990). "Late adolescents' perceptions of their relationships with their parents: Relationships among deidealization, autonomy, relatedness, and insecurity and implications for adolescent adjustment and ego identity status". *Journal of Youth and Adolescence*, 19, 571-588.
- [20] Frank, S.; Avery, C.; Laman, M. (1988). "Young adults' perceptions of their relationships with their parents: Individual differences in connectedness, competence, and emotional autonomy". *Developmental Psychology*, 24, 729-737.
- [21] Franz, C. E.; White. K. M. (1985). "Individuation and attachment in personality development: Extending Erikson's theory". *Journal of Personality*, 53, 224-256.
- [22] Galambos, N. L.; Almedia, D. M.; Petersen, A. C. (1990). "Masculinity, femininity, and sex role attitudes in early adolescence: Exploring gender intensification". *Child Development*, 61, 1905-1914.
- [23] Gavazzi, S. M.; Sabatelli, R. M. (1990). "Family systems dynamics, the individuation process, and psychosocial development". *Journal of Family Psychology*, 9, 311-317.
- [24] Geuzaine, C.; Debry, M.; Liesens, V. (2000). "Separation from parents in late adolescents: The same for boys and girls". *Journal of youth and adolescence*, 29(1), 79-91.
- [25] Gilligan, C. (1982). *In a different voice*. Cambridge, MA: Harvard University Press.

- [26] Gnaulati, E.; Heine, B. J. (2001). "Separation-individuation in late adolescence: An investigation of gender and ethnic differences". *The Journal of Psychology*, 135, 59-70.
- [27] Grotevant, H. D. (1989). "Child development within the family context". In W. Damon (Ed.), *Child development today and tomorrow* (pp. 34-51). San Francisco: Jossey-Bass.
- [28] Grotevant, H. D.; Cooper, C. (1985). "Patterns of interaction in family relationships and the development of identity and role-taking skill in adolescence". *Child Development*, 56, 415-428.
- [29] Guisinger, S.; Blatt, S.J. (1994). "Individuality and relatedness". *American Psychologist*, 49 (2), 104-111.
- [30] Hauser, S. T.; Levine, H. A. (1993). "Relatedness and autonomy in adolescence: Links with ego development and family interactions". *Adolescent Psychiatry*, 19, 185-227.
- [31] Hoffman, J. A. (1984). "Psychological separation of late adolescents from their parents". *Journal of Counseling Psychology*, 31, 170-178.
- [32] Hoffman, J. A.; Weiss, B. (1987). "Family dynamics and presenting problems in college students". *Journal of Counseling Psychology*, 2, 157-163.
- [33] Holmbeck, G. N.; Wandrei, M. L. (1993). "Individual and relational predictors of adjustment in first-year college students". *Journal of Counseling Psychology*, 40, 73-78.
- [34] Josselson, R. (1988). "The embedded self: I and thou revisited". In D. K. Lapsley & S. M. Quintana (Eds.), *Self, ego, and identity: Integrative approaches* (pp. 91-108). New York: Springer.
- [35] Kenny, M. E. (1990). "College seniors' perceptions of parental attachments: The value and stability of family ties". *Journal of College Student Development*, 31, 39-46.
- [36] Kenny, M. E.; Donaldson, G. (1991). "Contributions of parental attachment and family structure to the social and psychological functioning of first-year college students". *Journal of Counseling Psychology*, 38, 479-486.
- [37] Lapsley, D. K.; Rice, K. G.; Shadid, G. E. (1989). "Psychological separation and adjustment to college". *Journal of Counseling Psychology*, 36, 286-294.
- [38] Lee, H.; Hughey, K. F. (2001). "The relationship of psychological separation and parental attachment to the career maturity of college freshmen from intact families". *Journal of Career Development*, 27 (4), 279-293.
- [39] Levine, J. B.; Saintonge, S. (1993). "Psychometric properties of the Separation-Individuation Test of Adolescence within a clinical population". *Journal of Clinical Psychology*, 49, 492-507.
- [40] Levine, J. B.; Green, C. J.; Millon, T. (1986). "The separation-individuation test of adolescence". *Journal of Personality Assessment*, 50, 123-137.
- [41] Lopez, F. G.; Andrews, S. (1987). "Career indecision: A family systems perspective". *Journal of Counseling and Development*, 65, 304-307.
- [42] Lopez, F. G.; Campbell, V. L.; Watkins, C. E. (1988). "Family structure, Psychological separation and college adjustment: A canonical analysis and cross-validation". *Journal of Counseling Psychology*, 35(4), 402-409.

- [43] ----- (1986). "Depression, psychological separation, and college adjustment: An investigation for sex differences". *Journal of Counseling Psychology*, 33, 52-56.
- [44] Lopez, F. G.; Watkins, C. E.; Manus, M.; Hunton-Shoup, J. (1992). "Conflictual independence, mood regulation, and generalized self-efficacy: Test of a model of late-adolescent identity". *Journal of Counseling Psychology*, 39, 375-381.
- [45] Mahler, M. S.; Furer, M. (1968). *On human symbiosis and the vicissitudes of individuation: Vol. 1. Infantile psychosis*. New York: International Universities Press.
- [46] Mattanah, J. F.; Hancock, G. R.; Brand, B. L. (2004). "Parental attachment, separation-individuation, and college student adjustment: A structural equation analysis of mediational effects". *Journal of Counseling Psychology*, 51 (2), 213-225.
- [47] McDermott, J. F.; Robillard, A. B.; Char, W. F.; Hsu, J.; Tseng, W. S.; Ashton, G. C. (1983). "Reexamining the concept of adolescence: Differences between adolescent boys and girls in the context of their families". *American Journal of Psychiatry*, 140, 1318-1322.
- [48] Mikulincer, M.; Shaver, P. R. (2005). "Attachment security, compassion, and altruism". *Current Directions in Psychological Science*, 14, 34-38.
- [49] O'Brien, K.; Friedman, S.; Tipton, L.; Linn, S. (2000). "Attachment, separation, and women's vocational development: A longitudinal analysis". *Journal of Counseling Psychology*, 47, 301-315.
- [50] Rice, K. G. (1992). "Separation-individuation and adjustment to college: A longitudinal study". *Journal of Counseling Psychology*, 39, 203-213.
- [51] Rice, K. G.; Cole, D.; Lapsley, D. (1990). "Separation-individuation, family cohesion, and adjustment to college: Measurement validation and test of a theoretical model". *Journal of Counseling Psychology*, 37, 195-202.
- [52] Rice, K. G.; FitzGerald, D. P.; Whaley, T. J.; Gibbs, C. L. (1995). "Cross-sectional and longitudinal examination of attachment, separation-individuation, and college student adjustment". *Journal of Counseling & Development*, 73, 463-474.
- [53] Ryan, R. M.; Lynch, J. H. (1989). "Emotional autonomy versus detachment: Revisiting the vicissitudes of adolescence and young adulthood". *Child Development*, 60, 340-356.
- [54] Schultheiss, D. P.; Blustein, D. L. (1994). "Role of adolescent-parent relationships in college student development and adjustment". *Journal of Counseling Psychology*, 41, 248-255.
- [55] Steinberg, L.; Silverberg, S. (1986). "The vicissitudes of autonomy in early adolescence". *Child Development*, 57, 841-851.
- [56] Tokar, D. M.; Withrow, J. R.; Hall, R. J.; Moradi, B. (2003). "Psychological separation, attachment security, vocational self-concept crystallization, and career indecision: A structural equation analysis". *Journal of Counseling Psychology*, 50(1), 3-19.